

Examining the Authorities and Dignity of the Holy Mary in the Holy Quran

Ashkan Javanmard*, Seyed Reza Moaddab**

Abstract

Holy Mary is one of the chosen ones, whom the Holy Qur'an has introduced as the example of the believers. Also, in the Qur'anic verses, rare positions and dignities are mentioned for her, and knowing more about them will bring a person closer to discovering the reasons for her being as a role model. In this regard, the main goal of this research is a detailed investigation of the authorities and dignities of Mary in the Quran.

This research was done in an analytical-comparative method, and in its text, the opinions of prominent Quranic commentators and thinkers were paid attention to in the subject of the research. In a general view, the set of authorities and dignities mentioned for her in the Quranic verses are as follows: Mary's position of being chosen by God; Mary's position as a role model; the position of her complete worship for God; the position of her purity and innocence; her position of submission to disasters; The dignity of her speaking with angels; the dignity of being brought up under divine care; Her dignity of benefiting from God's sustenance; The status of her confirmation and the dignity of good birth and absolute selection of her.

Keywords: Holy Mary, Authorities of Holy Mary, The model of believers, Muhaddith, Sadiqah, Istafa.

* Ph.D. Student of Comparative Interpretation of the Holy Quran, (corresponding author),
ashkan_411411@yahoo.com

** Professor and Director of the Department of Quranic and Hadith Sciences, University of Qom,
sr-moaddab@qom.ac.ir

Date received: 2022/08/02, Date of acceptance: 2022/12/16



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی مقامات و منزلتهای مریم[ؑ] در قرآن کریم

اشکان جوانمرد*

سید رضا مؤدب**

چکیده

حضرت مریم[ؑ] یکی از برگزیدگان مقرب الهی می‌باشند که در قرآن کریم، به عنوان اسوه و مثل اهل ایمان معرفی شده‌اند. مقامات و منزلتهای کم‌نظیری نیز برای آنحضرت در آیات قرآنی ترسیم شده است که مطالعه و شناخت بیشتر انسان نسبت به آنها، او را به کشف دلایل اسوه بودن ایشان نزدیکتر می‌سازد. در همین راستا هدف اصلی پژوهش پیش‌رو، بررسی تفصیلی مقامات و منزلتهای حضرت مریم[ؑ] در قرآن کریم می‌باشد.

این پژوهش به روش تحلیلی - تطبیقی انجام شده و در متن آن، به آرا و نظرات مفسران و اندیشمندان برجسته قرآنی - مخصوصاً صاحبان تفاسیر تسنیم و المیزان - در موضوع پژوهش توجه شده است. در نگاهی کلی، مجموعه مقامات و منزلتهای ترسیم شده برای حضرت مریم[ؑ] در آیات قرآنی از این قرار است: مقام اصطفای حضرت مریم؛ مقام اسوه‌گی و الگو بودن آنحضرت؛ مقام عبودیت تام؛ مقام طهارت و عصمت؛ مقام رضا و تسلیم در برابر بلایا؛ منزلت محدثه بودن آنحضرت؛ منزلت پرورش یافتگی ایشان تحت عنایت الهی؛ منزلت مرزوقیت از خوان ربوبی؛ منزلت مصدق بودن و نهایتاً منزلت طیب ولادت و برگزیدگی مطلق

کلیدواژه‌ها: حضرت مریم، مقامات حضرت مریم، اسوه مومنان، محدثه، صدیقه، اصطفای.

* دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه قم (نویسنده مسئول)، ashkan_411411@yahoo.com

** استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم، sr-moaddab@qom.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۵



۱. مقدمه و بیان مساله

حضرت مریم علیها السلام، یکی از اولیای برگزیده الهی است که قرآن کریم، او را به عنوان اسوه و مثلی برای اهل ایمان معرفی نموده است. آن بزرگوار در زمان خویش از نظر مقامات معنوی، از چنان رفعت و عظمتی برخوردار بوده است که پیامبر بزرگ معاصر خویش - زکریا علیه السلام - را به شگفتی انداخته و در مواردی نیز طبق بیان قرآنی، بر آن بزرگوار سبقت جسته است (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۱۱۹).

در همین راستا، فرضیات پژوهش حاضر بر این اساس می‌باشد که همه این ویژگیهای مذکور آنحضرت، به خودی خود اموری تصادفی و بدون حکمت نبوده است؛ بلکه به پشتوانه مقامات و منزلتهای تقریبی آنحضرت در پیشگاه الهی شکل گرفته است.

با این فرضیات، «هدف اصلی این پژوهش»، بررسی تفصیلی کیفیت این مقامات و منزلتها در قرآن کریم می‌باشد. این پژوهش به روش تحلیلی - تطبیقی انجام شده و برای درک ابعاد مختلف مساله پژوهش، به نظرات جمعی از مفسران و اندیشمندان برجسته قرآنی - مخصوصاً صاحبان تفاسیر المیزان و تسنیم که به صورت دقیق‌تر و جامع‌تر به ابعاد مختلف مسائل پرداخته‌اند - توجه شده است. از جمله دستاوردهای این پژوهش، می‌توان به شناخت جامع‌تر اولیای برگزیده الهی و لزوم تأسی بیشتر نسبت به آنان به عنوان مقدمه شناخت خداوند و ورود انسان در سیر و سلوک توحیدی اشاره نمود؛ چرا که اولیای الهی در حقیقت مظاهر اسما و صفات خداوند و جایگاه تجلیات او می‌باشند.

۲. پیشینه و ضرورت تحقیق

از میان پژوهش‌هایی که در موضوعاتی نزدیک به موضوع پژوهش پیش‌رو انجام شده است، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. پژوهش «الگو بودن حضرت مریم علیها السلام در قرآن و انجیل» (کاشانی‌ها، ۱۳۸۷، ص ۴۵ -

(۷۲)

در این پژوهش، که یکی از پژوهش‌های خوب انجام شده در این موضوع می‌باشد، شخصیت حضرت مریم علیها السلام از جهت الگو و نمونه بودن و ویژگی‌های موثر در این امر مورد مطالعه قرار گرفته است. از دید پژوهنده، فردی که از دیدگاه قرآن و اسلام به عنوان نمونه عملی معرفی می‌شود، بایستی فردی باشد که از جنبه‌های فردی و اجتماعی، فطرت انسانی

او به منصفه ظهور و شکوفایی رسیده باشد و از اعتقادات، روحیه و رفتار منطبق بر تعالیم و آموزه‌های دینی برخوردار باشد تا اقتدا و پیروی از وی، سبب نیکبختی و تکامل انسانها گردد. ایشان عوامل مؤثر در تربیت چنین الگوی کاملی را در نگاهی کلی پنج عامل خود فرد، مربی، محیط، وراثت و عوامل معنوی و ماورایی معرفی می‌کند و نتیجه می‌گیرد که هر پنج مورد مذکور طبق بیان قرآن کریم در حضرت مریم[ؑ] مجتمع می‌باشد.

۲. پژوهش «مقامات معنوی حضرت مریم[ؑ] در قرآن و عرفان» (سقاب گندم

آبادی، ۱۳۹۹، ۳۱ - ۵۱)

در این پژوهش، دو دیدگاه مطرح در میان صاحب‌نظران مورد توجه قرار گرفته است: دیدگاه اول، مبتنی بر این باور است که دیگر انسان‌ها، بغیر از پیامبران و ائمه معصومین[ؑ]، چون نوعاً موجوداتی مادی هستند و با خداوند و عالم غیب سنخیتی ندارند، بنابراین ارتباطشان با ملائکه و نیلشان به مقامات والای ایمانی و عرفانی امکانپذیر نیست! اما دیدگاه دوم، مبتنی بر عکس باور قبلی می‌باشد مبنی بر این که با توجه به یکسان بودن حقیقت وجودی انسانها، امکان ارتباط انسانهای غیر معصوم با ملائکه و کسب مقامات عالیه محتمل است. پژوهنده در ادامه برای تایید دیدگاه دوم با روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس ادله قرآنی و عرفانی، به نمونه‌هایی از مقامات حضرت مریم[ؑ] در قرآن و عرفان استناد کرده و در پایان، ارتباط ایشان با عالم غیب و نیلشان به مدارج والای کمال را اثبات می‌کند.

۳. پژوهش «تیپ شخصیتی حضرت مریم[ؑ] در قرآن کریم بر اساس تحلیل ایناگرام»

(مجرّب و همکاران، ۱۳۹۹، ۵۶۵ - ۵۷۵)

این‌اگرام یکی از الگوهای شناخت شخصیت است که بر اساس آن، افراد بشر به نه تیپ شخصیتی تقسیم می‌شوند. برخی از این اشخاص در تیپ شخصیتی خویش دارای وضعیتی مطلوب و ارزشمند هستند که از آنها به عنوان الگوهای مطلوب شخصیتی نام برده می‌شود. با این مقدمه، پژوهنده در ادامه با بررسی سه مرحله زندگانی حضرت مریم[ؑ] - مراحل «پیش از تولد»، «تولد تا فرزنددار شدن» و «پس از تولد حضرت عیسی (ع)» - در قرآن کریم، ویژگی‌های رفتاری ایشان را تا حد زیادی با تیپ سوم الگوی ایناگرام، یعنی تیپ «توفیق طلب اجتماعی» سازگار می‌داند.

۴. پژوهش «ساختار نشانه‌ای شخصیت حضرت مریم[ؑ] در قرآن کریم» (طاهری‌نیا و

همکاران، ۱۳۹۳، ۴۵-۶۴)

نشانه شناختی، مجموعه‌ای از نظام نشانه‌ای است که در آن، رمزها را می‌بایست با توجه به سیاق عبارت در متن ادبی جستجو نمود. قرآن کریم به عنوان سرآمد متون بلاغی در ترسیم نمودن گفتار و رفتار شخصیت‌های خویش، آنچنان ظرافتی به کار برده است که گویی آن شخصیتها را بر روی پرده نمایش به مخاطبین خویش عرضه داشته است. با این مقدمات، صاحب پژوهش فوق، در بررسی نشانه شناختی شخصیت حضرت مریم[ؑ] - به عنوان تنها بانویی که نام ایشان بصورت صریح به همراه گوشه‌هایی از زندگانی مقدسشان در سوره‌های مختلف قرآنی ذکر گردیده است - چنین نتیجه می‌گیرد که نام مریم در حقیقت نماینده شخصیت آن بزرگوار می‌باشد؛ یعنی همچنان که این نام، معانی روح عبادت، لطافت و انعطاف‌پذیری را به مخاطب القا می‌سازد، کنشهای رفتاری، گفتاری و توصیفات قرآنی نیز درباره ایشان نیز بازگو کننده همین معنا است.

با بررسی اجمالی پژوهش‌های فوق و مقایسه آنها با پژوهش پیش‌رو، چنین به نظر می‌رسد که هر چند این پژوهش‌ها در ظاهر امر، مشابهت‌هایی با پژوهش پیش‌رو در برخی اهداف و بخشهای محتوایی دارند؛ اما در عین حال، به لحاظ ساختاری، تمرکز بر هدف اصلی پژوهش، میزان جامعیت و عمق مطالب و همچنین بهره‌گیری بیشتر از نظرات صاحب‌نظران و نقد دیدگاه‌های ایشان، تفاوت‌های عمده‌ای با پژوهش حاضر دارند و از همین جا نیز ضرورت انجام پژوهش پیش‌رو، قابل درک خواهد بود.

۳. مفهوم‌شناسی مقام و منزلت

واژه «مقام»، در کتابهای لغت، همچون «فرهنگ معین» و «فرهنگ عمید»، معادل: موقعیت، جایگاه، رتبه و درجه، مکان و منزلت معنا شده است (عمید، ۱۳۷۵ و معین، ۱۳۸۶: ذیل واژه مقام).

صاحب کتاب «مفردات الفاظ القرآن» نیز، در معنای آن چنین نوشته است:

«مقام: مصدر میمی و اسم زمان و مکان از «قام» است و به معنای ایستادن، زمان و مکان

ایستادن و جایگاه می‌باشد» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۵: ۳۷۱).

بررسی مقامات و منزلتهای مریم ... (اشکان جوانمرد و سید رضا مؤدب) ۳۹

علامه طباطبایی (رحمته) در تفسیر آیه «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ» (دخان/۵۱)، در معنای این کلمه آورده است: «مقام» به معنای محل قیام، یعنی محل ثبوت و پایرجایی هر چیز است و به همین جهت، محل اقامت را نیز مقام گفته‌اند.

در نزد اهل عرفان نیز، «مقامات»، تعریف خاص خود را دارد؛ مثلاً صاحب کتاب «مبانی عرفان و تصوف»، معنای اصطلاحی واژه «مقامات» را در عرفان اسلامی چنین بیان کرده است: «مقامات در واقع، درجاتی است که انسان عارف با ریاضت به آنها دست می‌یابد. اکتسابی و ماندنی است و به طلب و جهد از بذل مجهود حاصل می‌شود» (انصاری، ۱۳۸۶: ۳۷).

رفیق عجم در کتاب «موسوعة مصطلحات التّصوّف الإسلامي»، منظور از مقامات را - در تقابل با اصطلاح حال در عرفان - مقام پایدار بنده در عباداتش در پیشگاه الهی می‌داند. همچنین وی در تقسیم‌بندی این مقامات، اولین آنها را انتباه عبد و خروج وی از حد غفلت و مقامات بعدی را از قبیل: توبه و انابه، ورع و زهد، فقر و صدق و صبر، رضا و اخلاص و توکل و امثال اینها معرفی می‌کند (عجم، ۱۹۹۹م، ص ۹۷).

شیخ اکبر، محی‌الدین عربی نیز در «فص ادریسی» کتاب فصوص، با اشاره به آیه شریفه: «وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا» (مریم/۵۷)، برای واژه «علو» در مورد اولیای الهی، دو نوع نسبت قائل شده است: یکی «علو مکان» و دیگری «علو مکانت». ایشان در ادامه طبق آیه «وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا»، یکی از صاحبان «علو مکان» در قرآن را، حضرت ادریس (علیه السلام) دانسته و «علو مکانت» را نیز در امت پیامبر آخرالزمان (ص) - «محمّدیین» - متعین می‌داند. محی‌الدین همچنین، «علو مکان» را، نتیجه عمل و «علو مکانت» را، نتیجه علم معرفی کرده است (حسن‌زاده آملی، ۱۳۹۵: ۱۲۳ - ۱۲۶).

نکته جالب توجه این که قرآن کریم در آیات خویش، هر دو نوع علو مذکور را برای حضرت مریم (ص) منظور داشته است و این مساله، ناشی از جامعیت شخصیت و رفعت مقامات آن بزرگوار در پیشگاه الهی است:

۱. آیه مربوط به علو مکان: «وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَ مَعِينٍ» (مومنون/۵۰): و ما پسر مریم (ص) و عیسی (ص) و مادرش مریم (ص) را آیت و نشانه‌ای قرار دادیم و آنها را در سرزمین بلندی که آرامش و امنیت و آب روان داشت، جای دادیم! (طباطبایی، ۱۴۰۲: ج ۱۵ / ۳۵).

۲. آیه مربوط به علو مکانت: وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ﴿آل عمران/۴۲﴾ و به یاد آر! زمانی را که فرشتگان گفتند: ای مریم! همانا خداوند متعال تو را برگزیده و پاکیزه ساخته و بر تمامی زنان جهان برتری داده است. اما در معنای «منزلت»، باید گفت که صاحب کتاب لسان العرب، «الْمَنْزِلُ» را به معنای درجه و «الْمَنْزِلَةُ» را به معنای رتبه‌ای دانسته که با رتبه‌های دیگر قابل جمع نباشد (ابن منظور، ۱۴۱۴/۱۱/۶۵۸).

در لغتنامه دهخدا نیز در معنای «منزلت» چنین آمده است: مرتبت، جایگاه، مکانت، قدر، ارج و شأن، اعتبار، خطر، جاه، حرمت و بزرگی. اصطلاح «منزلت داشتن» در این کتاب نیز به معنای قدر و مقام داشتن، ارج داشتن و لیاقت داشتن آمده است (دهخدا و همکاران، ۱۳۷۷، ذیل لغت منزلت).

بنابراین در جمع‌بندی کلی، منظور از بررسی مقام و منزلت حضرت مریم* در این تحقیق، به معنای بررسی موقعیتها و جایگاههای ثابت و به اصطلاح ملکه‌ای - و نه لزوماً مقامات مصطلح عرفانی - آنحضرت در پیشگاه الهی و همچنین شؤون و شاخصهای کرامتی و تقریبی آن بزرگوار است.

با این مقدمات، وارد داده‌های اصلی پژوهش می‌شویم:

۴. مقامات و منزلتهای حضرت مریم* در قرآن کریم

۱.۴ مقام اصفای مریم*

قرآن کریم، ضمن بیان مسأله اصفای خاندان حضرت عمران در آیه ۳۳ سوره آل عمران، بحث اصفافئات دوگانه حضرت مریم را در آیه ۴۲ همین سوره مطرح می‌نماید:

۱. «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ» (آل عمران/۳۳): همانا خداوند، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران علیهم‌السلام را از میان تمامی جهانیان برگزید.

۲. «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (آل عمران/۴۲): و به یاد آر زمانی را که ملائکه گفتند: ای مریم! بدان که خدا تو را برای اهدافی خاص، انتخاب و تطهیر نمود و تو را از میان تمامی زنان جهان برگزید!

صاحب کتاب «التحقیق»، ریشه کلمه «اصطفا» را چنین معنا نموده است:

بررسی مقامات و منزلتهای مریم ... (اشکان جوانمرد و سید رضا مؤدب) ۴۱

«صفو»، به معنای خلوص و پاکی از حیث ذات، در برابر هر گونه کدورت و تیرگی است» (مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۶/۲۵۷-۲۵۸).

در «مقایس اللغة» نیز در این باره چنین آمده است:

«صفو»، یعنی خلوص از هرگونه اختلاط و ناخالصی» (همان، ۱۳۶۸: ج ۶/۲۵۷-۲۵۸).

(۲۵۸).

اما در تبیین اصطلاحی معنای کلمه «اصطفا»، علامه طباطبایی در المیزان، منظور از «اصطفای اول» را در آیه، استجاب دعاى خالصانه مادر مریم علیها السلام مبنی بر قبول نذر و تقبل فرزندش از جانب خداوند متعال برای عبادت می‌داند؛ زیرا از نظر ایشان، معنای «اصطفای مطلق» این است که شخص اصطفای شده برای خداوند متعال، به تمام معنای کلمه تسلیم باشد. ایشان همچنین در مورد معنای «اصطفای دوم» در آیه می‌نویسد:

کلمه «اصطفا» اگر با حرف «علی» متعدی شود، معنای «تقدم» را می‌رساند و این اصطفا، غیر از آن اصطفاى مطلق و بدون حرف «علی» است، که معنای تسلیم را می‌رساند؛ بنابراین معنای اصطفاى آن جناب بر زنان عالمیان، در حقیقت به معنای مقدم داشتن آن جناب بر سایر زنان عالم است.

و در ادامه در تبیین وجه این تقدم، با استناد به آیات:

۱. ﴿إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ ...﴾ (آل عمران/۴۵)

۲. ﴿وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ﴾ (انبیا/۹۱)

۳. ﴿وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا، وَصَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا، وَ

كُتِبَ، وَكَانَتْ مِنَ الْقَائِمِينَ﴾ (تحريم/۱۲)

علامه معتقد است که قرآن کریم از مجموعه خصائص وجودی حضرت مریم علیها السلام، به جز ولادت عجیب فرزندش روی هیچ خصیصه دیگری انگشت نگذاشته است! بنابراین منظور از اصطفاى دوم در آیه، اصطفا از هر جهت نیست؛ بلکه همان «زائیدن کذائی مریم علیها السلام» بوده است! همچنین از دید ایشان این که در سایر آیات قرآن سایر صفات - غیر از صفت «اصطفاء» - همچون: «تطهیر»، «تصدیق به کلمات و کتب الهی»، «قنوت»، «محدثه بودن» به آن حضرت نسبت داده شده است؛ از قبیل اموری می‌باشد که اختصاص به آنحضرت نداشته؛ بلکه در زنان کامل دیگر قابل یافت می‌باشد. ضمناً علامه در تفسیر خویش، اعتقاد برخی از مفسران را مبنی

بر این که مریم علیها السلام تنها از زنان همعصر خویش اصطفا شده است، رد نموده و آن را با اطلاق آیه سازگار نمی‌داند! (طباطبایی، ۱۴۰۲: ج ۳/ ۱۸۹).

در «تفسیر تسنیم» نیز، اصطفای نخست حضرت مریم علیها السلام در آیه، از سنخ «اصطفای نفسی» دانسته شده است؛ به این معنا که خداوند متعال از بین فرزندان انبیا مریم علیها السلام را برگزیده است و این برگزیدگی در حقیقت، با گوهر ذات مریم علیها السلام مرتبط بوده است! همچنین از دید صاحب تفسیر، اصطفای دوم، از سنخ «اصطفای نسبی» است؛ یعنی این بار خداوند متعال مریم علیها السلام را از میان زنان عالم، برای مادر شدن بدون همسر برگزیده است! بنابراین اصطفای دوم، از قبیل تکرار نیست، بلکه به جهت ویژگی خاص حضرت مریم علیها السلام است که بدون همسر، صاحب فرزند شده است، براین اساس مفسر نتیجه می‌گیرد که منظور از اصطفای دوم این نیست که مریم علیها السلام، در جمیع شئون علمی و تقوایی، بر جمیع زنان عالم - آن‌گونه که در مورد حضرت فاطمه علیها السلام مطرح است - برتری داشته باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ج ۱۴/ ۲۲۹-۲۳۱).

در تحلیل نظرات فوق، چنین به نظر می‌رسد که مطالبی که این دو مفسر بزرگوار، در مورد «اصطفای حضرت مریم علیها السلام»، در تفاسیر خویش بیان نموده‌اند؛ مستفاد از مضمون روایات تفسیری در ذیل آیه مورد بحث باشد؛ از قبیل روایات منقول زیر:

۱. امام باقر علیه السلام در باره کلمات اصطفای بکار رفته در آیه ۴۲ سوره عمران چنین می‌فرموده‌اند: یعنی خداوند او را در ابتدا از ذریه انبیا برگزید و از احتمال ناپاکی و آلوده دامنی پاک نمود؛ و سپس برای بار دوم او را به خاطر ولادت غیر طبیعی و بدون پدر فرزندش - عیسی علیه السلام - برگزید^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۴/ ۱۹۳).

۲. حکم بن عتیبه گوید: از امام باقر علیه السلام راجع به قول الهی در قرآن: «و یاد آر! زمانی را که فرشتگان گفتند: ای مریم! خدوند تو را برگزیده و تطهیر نموده و تو را بر زنان عالم برتری داده است»، چنین پرسیدم که آیا خداوند، طبق این آیه، حضرت مریم علیها السلام را دو بار برگزید، در حالی که معمولاً عمل برگزیدن، یک مرتبه قابل تصور است؟! امام علیه السلام فرمودند: ای حکم! همانا برای این آیه، تاویل و تفسیری است! به ایشان گفتم: خداوند پابنده‌تان سازد! پس آن را برایم تفسیر فرمایید! آن حضرت فرمودند: یعنی خداوند در مرحله اول، او را از میان ذریه انبیا و رسولان برگزیده‌اش برگزید و او را از این که در جریان ولادتش - از طریق والدین - کوچکترین احتمال ناپاکی وجود داشته باشد، تطهیر نمود و در مرحله دوم نیز او را بواسطه سه امر صادر شده در این آیه - به جهت شکر الهی - برگزید: «پس ای مریم! برای پروردگارت خاضع باش و او را سجده کن و با راکعین رکوع نما»^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۴/ ۱۹۲).

جوادی آملی در تبیین روایات تفسیری فوق می‌نویسد:

اصطفای نخست، براساس هر دو روایت، ناظر به برگزیده شدن مریم[ؑ] از ذریه پیامبران است؛ اما اصطفای دوم، طبق روایت اول، مربوط به ویژگی خاص آنحضرت در به دنیا آوردن بدون پدر فرزندش و طبق روایت دوم، به برگزیدگی آن حضرت بواسطه سه امر موجود آیه: «يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي» می‌باشد.

ایشان در ادامه می‌افزاید:

گفتنی است، این روایات معارض یکدیگر نیستند، بلکه در حقیقت هر یک، به برخی از لوازم اصطفای آنحضرت اشاره دارند (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ج ۱۴/۲۴۳-۲۴۴).

بنابراین همانطور که ملاحظه شد اعتقاد به انحصار علت اصطفای نسبی مریم[ؑ] در تولد غیرطبیعی و معجزه‌گونه فرزندش و صرفنظر نمودن از دیگر صفات دخیل در این امر همچون «تطهیر»، «تصدیق کلمات و کتب الهی»، «قنوت» و «محدثه بودن»، صرفاً ناشی از برداشت این دو مفسر و تعبد ایشان نسبت به مضامین روایات تفسیری بوده است و این به رغم آن بوده است که خود آن بزرگواران در مبانی تفسیریشان، تحمیل بی‌چون و چرای مضامین روایات بر مدالیل آیات قرآنی نفی نموده‌اند. در همین ارتباط محمد هادی معرفت، درباره کیفیت تعامل علامه طباطبایی با روایات تفسیری بیان جالبی دارد:

در باب استفاده از روایات برای تفسیر قرآن نیز، وقتی علامه می‌فرماید نایستی به سراغ روایت رفت و از راه آن آیه را معنا کرد، این سراغ روایت رفتن، دو قسم است، یکی این که از این روایت، معنایی به دهان آیه بگذاریم! این قسم، ممکن نیست؛ زیرا قرآن، باید خودش گویای حقیقت خودش باشد! این را خود علامه طباطبایی منکر است، اما اگر به سراغ روایت برویم؛ برای این که فضایی را برای ما باز کند و ما را در فضایی قرار دهد که از خود آیه مطلبی را بفهمیم، این پذیرفتنی است. (پژوهش‌های قرآنی، ش ۴۶-۴۷، آخرین سخنرانی منتشر شده از آیه الله معرفت، ص ۱۸).

با این مقدمات، اولاً بنظر می‌رسد که در ذکر مقامات و منزلتهای مریم[ؑ] در قرآن کریم؛ همچون «تطهیر»، «تصدیق کلمات و کتب الهی»، «قنوت»، «محدثه بودن» آنحضرت، مراتب بالایی از این مقامات مدنظر بوده است که در کمتر کسی از اهل ایمان -عم از زن و مرد- قابل یافت باشد! مثلاً تنها در مورد مقام «محدثه بودن» آنحضرت آن هم در چنان سطوح عالی - که بقول حضرت امام(ره) با نزول مقربترین فرشته الهی[ؑ] همراه باشد - مقامی است که تنها در

طبقه اول پیامبران عظیم‌الشان الهی و یا اولیای هم‌درجه ایشان قابل تصور است و یا منزلتهایی همچون «انبیاء و تقبل حسن» ایشان، نشانگر مراتب بالایی از تقرب می‌باشند که در سایر اولیا و برگزیدگان قرآنی کم‌سابقه و در مواردی بی‌سابقه است. و اضافه بر آن، قبول اطلاق صفت اصطفا‌ی دوم مریم[ؑ] از سوی علامه، همه و همه از مواردی است که انحصار علت اصطفا‌ی نسبی آنحضرت را در صرف یک «زایمان غیر طبیعی» منطقی نمی‌نماید! حتی اگر هم بخواهیم مضامین روایات تفسیری را درباره این آیه، ملاک قضاوت خویش در این امر قرار دهیم؛ باز هم دلالت صریحی بر حصر مذکور در آنها دیده نمی‌شود؛ چرا که: «اثبات شیء، نفی ماعدا نمی‌کند!».

بنابراین به نظر می‌رسد که تک‌تک مقامها و منزلتهای ذکر شده برای مریم[ؑ] در قرآن کریم، نظیر «تطهیر»، «تصدیق کلمات و کتب الهی»، «قنوت»، «محدثه بودن»، در کنار مساله ولادت معجزه‌گونه فرزندش، می‌توانند از علل اصطفا و برگزیدگی آن بانوی ممتاز بر سایر زنان عالم باشند.

۲.۴ مقام اسوه و الگو بودن مریم[ؑ]

در «سوره تحریم» از مریم[ؑ] دختر عمران، با تصریح بر نام وی و از آسیه[ؑ] همسر فرعون بدون تصریح بر نام، به عنوان مثال و الگویی برجسته برای جمیع اهل ایمان یاد شده است:

﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَانجني من فرعون وعمله ونجني من القوم الظالمين. و مریم ابنت عمران التي أحصنت فرجها فنفخنا فيه من روحنا وصدقت بكلمات ربها وكتبه وكانت من القانتين﴾ (تحریم / ۱۱ و ۱۲): و خداوند برای مؤمنان، همسر فرعون را مثل زده است؛ در آن هنگام که گفت: پروردگارا! خانه‌ای برای من در بهشت - نزد خودت - بنا کن! و مرا از فرعون و عمل وی نجات بخش و مرا از گروه ستمگران رهایی ده! و همچنین مریم دختر عمران که دامن خویش را پاکیزه نگه داشت و ما از روح خویش در آن دمیدیم و او کلمات پروردگار و کتاب‌های او را تصدیق نمود و از زمره مطیعان فرمانبردار بود!

جوادی آملی در ارتباط با مقام اسوه‌گی و الگو بودن مریم[ؑ] می‌نویسد:

اگر انسانی وارسته شد، الگوی دیگر انسان‌ها است؛ اگر مرد است، الگوی مردم است، نه مردان! و اگر زن باشد، باز الگوی مردم است، نه زنان! زن - چه خوب و چه بد - نمونه زنان نیست، زن نمونه است! فرق است بین این دو مطلب! ﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا

بررسی مقامات و منزلتهای مریم ... (اشکان جوانمرد و سید رضا مؤدب) ۴۵

مَرِيْمُ ابْنَتْ عِمْرَانَ: یعنی این مریمی که «أَخْصَنَتْ فَرْجَهَا» و «فَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوْحِنَا» و «صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا» می‌باشد!... چون مقام مریم علیها السلام از مقام زن فرعون بالاتر بود؛ لذا قرآن کریم - بر خلاف آیه قبل - این دو بانوی الهی را را یک جا ذکر نکرد؛ بلکه در دو آیه مجزا ذکر فرمود! (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۵۸-۱۵۹).

مطالب فوق، نشانگر نهایت تکریم و احترام دین اسلام نسبت به مقام زن و ابطال عقاید جاهلی و خرافی سایر مکاتب بشری است؛ مبنی بر این که زنان هر چقدر هم که در پیمودن طریق الهی، کوشا باشند از رسیدن به قله‌های کمال و تقرّب عاجزند و جذب انوار ملکوت و شهود تجلیات الهی برای ایشان امکان‌پذیر نمی‌باشد!

۳.۴ منزلت محدّثه بودن حضرت مریم علیها السلام و نبوت انبائی ایشان

در آیات مختلف قرآن کریم، از سخن گفتن فرشتگان با حضرت مریم و تکریم ایشان و بشارت دادن آن حضرت به تولد فرزندش حضرت عیسی علیه السلام سخن رفته است:

﴿وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ...﴾ (آل عمران/۴۲): و به یاد آر

زمانی را که ملائکه گفتند: ای مریم! بدان که خداوند تو را برای اهدافی خاص، انتخاب و تطهیر فرمود و تو را از میان تمامی زنان عالم تو را برگزید.

در مجمع‌البحرین واژه «محدثه»، چنین معنا شده است:

«محدث یا محدّثه، به مرد یا زنی گفته می‌شود که فرشتگان با او گفت‌وگو داشته باشند و او

نیز سخن آنان را بشنود!» (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۲/۲۴۵، ح د ث).

در همین راستا علامه طباطبایی درباره مقام محدّثه بودن حضرت مریم علیها السلام در آیه فوق

می‌نویسد:

در این آیه، دلالتی است بر این که مریم علیها السلام محدّثه بوده، یعنی از زمره کسانی بوده است

که ملائکه با او سخن می‌گفته‌اند و آن جناب، سخنان این هاتمان غیبی را می‌شنیده است.

آیه شریفه: «فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا» (مریم ۱۷) نیز، همراه با آیات بعدی آن

که در سوره مریم واقع شده، بر این معنا دلالت دارد (طباطبایی، ۱۴۰۲: ج ۳/۱۸۸).

ایشان در ادامه و در بحث روایی آیه، به روایتی از کتاب «بصائرالدرجات» استناد می‌کند که در متن آن آمده است: «محدث»، کسی است که صدایی را از جانب فرشته حامل پیام می‌شنود؛ ولی شاهدهی، یعنی فرشته صاحب صدا را نمی‌بیند (صفا ر قمی، ۱۴۰۴: ۳۷۱، ح ۱۲) و سپس در تحلیل روایت فوق می‌افزاید:

اما این که در روایات آمده است که «محدث»، صوت را می‌شنود؛ ولی فرشته را نمی‌بیند، باید حمل کرد بر این جهت؛ نه این که جمع بین دو معنا- یعنی هم دیدن و هم شنیدن صوت فرشته - محال بوده باشد! و خلاصه این که ملاک در «محدث» بودن یک انسان، این است که صدای هاتف غیبی را بشنود؛ ولی لازم نیست که حتماً صاحب صدا را نیز ببیند و اگر هم احیاناً اتفاق بیفتد که او در حین شنیدن صوت فرشته، او را ببیند از این باب نیست که چون «محدث» بوده فرشته را دیده! نه! یعنی لازمه «محدث» بودن دیدن فرشته نیست! این را به آن جهت گفتیم که آیات قرآنی - آیه ۱۷ سوره مریم - صریح است در این که مریم علیها السلام روح را به صورت بشری تمام عیار مشاهده کرده و در حین گفتگو نیز باز او را می‌دیده است (طباطبایی، ۱۴۰۲: ج ۳، ۲۱۹-۲۲۲).

جوادی آملی نیز، در باره مقام محدثه بودن حضرت مریم علیها السلام بیان جامعی دارد:

فرشتگان با مریم علیها السلام سخن می‌گفتند و سخنان مریم علیها السلام را هم می‌شنیدند؛ بلکه مشافهتاً و مشاهدتاً، گفتار را با شهود می‌آمیختند! هم مریم علیها السلام آنها را می‌دید و هم آنها، در مرآی مریم علیها السلام قرار می‌گرفتند. اینها تعبیرات بلندی است که قرآن درباره مریم علیها السلام دارد! یعنی فرشتگان فراوانی با این بانو سخن گفته و او را از مقام اصطفايش باخبر می‌کرده‌اند که آگاه باش! تو «صفوت الله» و مطهره‌ای و در میان زنان جهان ممتازی! پس دائماً به یاد خدا باش! سجود و رکوع را فراموش مکن! و از اهل رکوع هم باش! و نیز بشارت آمدن پسرش، حضرت مسیح علیه السلام را به ایشان می‌دادند (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۵۹).

ایشان همچنین در تفسیر تسنیم‌شان، مقام «محدثه بودن» حضرت مریم علیها السلام را نشانه «نبوت انبایی» و «وحی تسدیدی و تبشیری» معرفی می‌نمایند:

حضرت مریم علیها السلام محدثه بود و با فرشتگان گفت‌وگو داشت. این گفت‌وگو، کرامت خود آن بانوی بزرگوار و نبوت انبایی و وحی تسدیدی و تبشیری است؛ نه وحی و نبوت تشریعی! (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ج ۱۴/۲۲۸).

بررسی مقامات و منزلتهای مریم ... (اشکان جوانمرد و سید رضا مؤدب) ۴۷

امام خمینی (س) نیز در بیانی مشابه، درباره میزان عظمت «منزلت محدثه بودن» حضرت فاطمه علیها السلام و برتری آن بر سایر فضایل و مقامات مذکور درباره آنحضرت علیها السلام، این منزلت کم نظیر را جزو اختصاصات پیامبران عظیم الشان طبقه اول علیهم السلام و برخی اولیای هم درجه با ایشان دانسته‌اند:

مسئله آمدن جبرئیل علیه السلام برای کسی یک مسئله ساده نیست! خیال نشود که جبرئیل علیه السلام برای هر کسی می‌آید و امکان دارد بیاید! یک تناسب لازم است بین روح آن کسی که جبرئیل علیه السلام می‌خواهد به حضور او بیاید و مقام جبرئیل علیه السلام که روح اعظم است! چه ما قائل بشویم به این که قضیه تنزیل و تنزل جبرئیل علیه السلام به واسطه روح اعظم آن ولی یا پیغمبر است و یا بگوییم که خیر! حق تعالی او را مأمور می‌کند که برو و این مسائل را به ولی یا پیغمبر بگو! تا تناسب ما بین روح این کسی که جبرئیل علیه السلام پیش او می‌آید و بین جبرئیل علیه السلام که روح اعظم است نباشد، امکان ندارد این معنا! و این تناسب تنها بین جبرئیل علیه السلام که روح اعظم است و انبیای درجه اول بوده است. در هر صورت من این شرافت و فضیلت را از همه فضایلی که برای حضرت زهرا علیها السلام ذکر کرده‌اند - با این که آنها هم فضایل بزرگی هستند - بالاتر می‌دانم و این از فضایلی است که از مختصات حضرت صدیقه علیها السلام است» (خمینی، ۱۳۷۸: ج ۲۰ / ۴-۶)

به طریق مشابه می‌توان نتیجه گرفت که منزلت «محدثه بودن» حضرت مریم علیها السلام نیز، مقامی بسیار والایی می‌باشد است که برای کمتر کسی از کمترین و برگزیدگان الهی در سطوح پایین‌تر تحقق یافته است!

۴.۴ مقام طهارت و عصمت مریم علیها السلام

مسئله تطهیر مطلق مریم علیها السلام در آیه ۴۲ سوره آل عمران و مابین دو اصطفا‌ی مطلق و نسبی آن بزرگوار مطرح شده است که نشانگر وجود ارتباط عمیق بین مسایل مذکور می‌باشد:

﴿وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ﴾ (آل عمران/۴۲): و به یاد آر زمانی را که ملائکه گفتند: ای مریم! بدان که خدا تو را برای اهدافی خاص، انتخاب و تطهیر فرموده است و تو را از میان تمامی زنان عالم برگزیده است!

در «تفسیر نور»، عبارت «طَهَّرَكِ» در آیه مذکور، به عنوان دلیلی بر عصمت حضرت مریم علیها السلام معرفی شده است (قرائنی، ۱۳۸۳: ج ۲ / ۵۸).

نظر علامه طباطبایی در المیزان نیز همین است:

«و تطهیرش عبارت است از مصونیتش به عصمت خدای تعالی از گناهان؛ پس آنجناب، هم اصطفا شده است و هم معصوم می‌باشد» (طباطبایی، ۱۴۰۲: ج ۳/ ۱۸۸).

آری! مریم علیها السلام مطهّر به تطهیر الهی بوده است؛ تطهیری که مشابه تطهیر عنوان شده در «آیه تطهیر» از ویژگیهای زیر برخوردار باشد:

۱. شرط آن، آلودگی اولیه فرد مورد نظر نباشد؛ چرا که قرآن کریم، درباره‌ی حوریان بهشتی نیز، کلمه «مُطَهَّرَةٌ» را بکار برده است؛ در حالی که واضح است که ایشان، فاقد هر گونه آلودگی اولیه بوده‌اند

۲. اساساً تطهیری خاص از «مطلق رجس» باشد؛ یعنی از هر گونه ناپاکی ظاهری و باطنی! (قرآنی، ۱۳۸۳: ج ۹/ ۳۶۱-۳۶۲)

برخی دیگر از تفاسیر تطهیر حضرت مریم علیها السلام در آیه فوق را، مساله بتول بودن آنحضرت و پاکی ایشان از آلودگی عادت ماهیانه و برکناری ناخواسته از عبادت در آن ایام بیان نموده‌اند (طباطبایی، ۱۴۰۲: ج ۳/ ۱۸۸).

در برخی از روایات تفسیری نیز، معنای تطهیر آنحضرت، پاکیزه‌گی از ناپاکی و آلوده‌دامنی و بی‌عفتی در جریان ولادت ایشان از والدین عنوان شده است که همچون مورد قبل، از قبیل بیان مصادیق می‌باشد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۴، ص ۱۹۲).

اما تفسیر «تسним» - با دیدی جامع‌تر و بیانی صائب‌تر - مساله «تطهیر» مریم علیها السلام را، تطهیری همه‌جانبه و شامل مراتب مختلف طهارت عنوان نموده است که تداعی‌گر مفهوم «عصمت مطلق» می‌باشد:

خداوند مریم علیها السلام را از همه رذایل اخلاقی و اتهامات ناروا - و نه فقط از عادت ماهانه - تطهیر و تنزیه نمود و بدین سان آنحضرت از طهارت ظاهری و باطنی و طهارت نفسی برخوردار بوده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ج ۱۴/ ۲۴۴ و ۲۲۸).

۵.۴ منزلت پرورش‌یافتگی مریم علیها السلام تحت عنایت الهی

خداوند متعال در قرآن کریم برای پیامبران و اولیای الهی تعابیر بلندی را بکار برده است که نشانگر شدت لطف و عنایت الهی نسبت به آن بزرگواران می‌باشد؛ به عنوان مثال، در مورد موسی علیه السلام - که از مقرب‌ترین پیامبران الهی بشمار می‌روند - فرموده است:

﴿وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي﴾ (طه/۴۱): و تو را برای خودم ساخته و پرداخته نمودم!

و یا در مورد حضرت یوسف علیه السلام با خطاب مستقیم ایشان چنین فرموده:

﴿وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رُحِيكَ وَ يُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آلِ

يَعْقُوبَ﴾ (یوسف/۶): و بدین گونه پروردگارت تو را برگزیده و از علم تعبیر خواب تعلیمت

داده و نعمت خاص خویش را بر تو و بر آل یعقوب علیهم السلام به اتمام رسانده است.

بر همین سیاق، در مورد مریم علیها السلام نیز، تعبیر کریمانه‌ای و لطیفی در قرآن کریم بکار رفته

است:

﴿فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا﴾ (آل عمران/۳۷): و پروردگار متعال، او را به

نیکوترین وجهی پذیرا شد و همچون گیاهی نیکو او را پروراند!

علامه، عبارت «قبول حسن» در آیه فوق را، با مساله «اصطفای» مریم علیها السلام و عبارت «نباتاً

حَسَنًا» را، با مساله «طهارت» آنحضرت مرتبط دانسته است:

کلمه «قبول»، اگر با قید «حسن» در کلام آید، معنایش همان «تقبل» است، چون فرق «تقبل»

با «قبول»، این است که «تقبل» به معنای نوع خاصی از قبولی همراه با رضایت درونی است؛

بنابراین معنای آیه مورد بحث مانند این است که خداوند سبحان بفرماید: ﴿فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا تَقَبُّلاً!﴾

همچنین منظور، از «تقبل» او به «قبول حسن»، قبولی نذر مادر مریم و منظور داشتن ثواب

اخروی برای او نیست؛ بلکه بدین معناست که خداوند خود مریم علیها السلام را قبول کرد بدان جهت که

مریم علیها السلام نامیده شد و بدان جهت که در راه خدا محرر شد! در نتیجه برگشت معنای عبارت فوق

به همان مساله «اصطفاء» - تسلیم مطلق - ایشان است همچنین مراد از این که فرمود: «او را به

انبیاتی حسن رویانندیم»، این است که رشد و پاکیزگی را به او و به ذریه‌اش دادیم و به ایشان

حیاتی افاضه نمودیم که آمیخته با پلیدی، القائنات و سوسه‌های شیطان نباشد و به طور خلاصه،

«حیاتی طیب و طاهر» به ایشان افاضه نمودیم! (طباطبایی، ۱۴۰۲: ج ۳/ ۱۷۳).

در تفسیر «تسنیم» نیز، وجوه دیگری از همین مساله بیان شده است:

خداوند متعال، دارای انبات تکوینی برای همگان است: ﴿وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا *

ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا﴾ (نوح/ ۱۷-۱۸)، ولی انبات مریم علیها السلام در آیه ﴿وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا

حَسَنًا﴾، انباتی ویژه است، زیرا سخن از انبات از زمین نیست، بلکه سخن از «نبات حسن»

است؛ مانند ﴿وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ﴾ (اعراف/ ۵۸)؛ انسان طیب و طاهر، به عنایت

الهی با زمینه مناسب، رشد می‌کند. بنابراین از این که واژه‌های «قبول» و «نیات» با وصف «حسن» آورده شده است، معلوم می‌شود که هم پذیرش مریم علیها السلام برای خدمتگزاری «بیت المقدس» و هم رشد و تربیت ایشان، هردو «ویژه» - و نیکو - بوده است! (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ج ۱۴/۱۵۱-۱۵۳).

صاحب تفسیر «عرائس البیان» نیز، معنای «قبول حسن» در آیه فوق را، به معانی زیر دانسته است: خالص نمودن مریم علیها السلام از جانب خداوند برای عبادت خویش، قرار دادن وی به عنوان محلی برای ظهور آیات و کرامات الهی، پرورش دادن او در دامان برگزیدگان الهی، انکشاف آیات بزرگ الهی بر وی و فرستادن روح القدس در عالم ظاهر بر آنحضرت برای تعلیم ادب بندگی و نفخ روحی خاص و ملکوتی که ذخیره آخرتش گردد (بقلی، ۲۰۰۸، ج ۱/۱۴۵).

۶.۴ منزلت مرزوقیت مریم علیها السلام از حضرت عنایت حق تعالی

حضرت مریم علیها السلام طبق بیان قرآن کریم و شهادت پیامبر بزرگی همچون زکریا علیها السلام، روزی خوار از حضرت عنایت حق تعالی - به انواع روزی‌های مادی و معنوی - بوده‌اند:

﴿كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (آل عمران/۳۷): و هر گاه که زکریا علیها السلام وارد محراب مریم علیها السلام می‌شد؛ رزقی را در نزد وی می‌یافت؛ پس با تعجب از او می‌پرسید: مریم! این از کجا برایت آمده است؟ مریم پاسخ می‌داد: این از نزد خداوند است! خداوند به هر که بخواهد، بدون حساب روزی می‌دهد!

از نظر علامه طباطبایی، رزقی که زکریا علیها السلام همواره در نزد مریم علیها السلام مشاهده می‌کرده، از سنخ رزق‌های معمولی و عادی بشری نبوده است؛ بلکه رزقی خاص و بر خلاف معهود بشر و در حقیقت کرامتی از جانب خداوند نسبت به بنده فرمانبردار خویش بوده است:

این که قرآن کریم در آیه فوق، کلمه «رزقاً» را بدون «الف و لام» آورده است؛ اشاره به این است که رزق نامبرده، طعام معهودی در میان مردم نبوده است - همچنان که بعضی نیز گفته‌اند که: هر وقت زکریا علیها السلام به مریم علیها السلام سر می‌زده، میوه زمستانی را در تابستان و میوه تابستانی را در زمستان نزد وی می‌دیده است! - مؤید این حکایت این است که اگر رزق نامبرده از سنخ طعام‌های رایج آن روز و طعام موسمی بود، در آن صورت نکره آوردن «رزقاً»، تنها می‌توانسته این معنا را برساند که زکریا علیها السلام هیچ وقت اطاق مریم علیها السلام را خالی از طعام نمی‌دیده است؛ بلکه همواره در نزد وی رزقی را می‌یافته است؛ بنابراین نباید از پاسخ

بررسی مقامات و منزلتهای مریم ... (اشکان جوانمرد و سید رضا مؤدب) ۵۱

مریم علیها السلام مبنی بر این که این رزق از جانب خداست قانع می‌شده، برای این که اساساً از ناحیه خدا بودن رزق، اختصاصی به رزق مریم علیها السلام نداشته؛ چرا که رزق همه مردم از ناحیه خداست؛ بنابراین در این صورت جا داشت زکریا علیه السلام دوباره از مریم علیها السلام بپرسد که رزقی را که خدا روزی تو کرده است به وسیله چه کسی به تو رسانده است؟ چون ممکن بود افرادی که به معبد آمد و رفت داشته‌اند، برای وی آورده باشند. پس قانع شدن زکریا علیه السلام از پاسخ مریم علیها السلام بیانگر این است که رزق نامبرده، رزقی معمولی نبوده است! علاوه بر این که دعای زکریا علیه السلام بعد از پاسخ مریم علیها السلام مبنی بر این که: «پروردگارا از درگاه خود، فرزندی بمن عطا فرما!»؛ دلالت بر این دارد که ایشان، یافتن رزق نامبرده در نزد مریم علیها السلام را، کرامتی الهی و خارق العاده محسوب نموده‌اند و در نتیجه به طمع افتاده‌اند که او هم از خداوند متعال طلب کند که خداوند فرزندی طیب روزی وی فرماید (طباطبایی، ۱۴۰۲: ج ۳/ ۱۷۴-۱۷۵).

جوادی آملی، در باره مبادی لازم برای برخورداری انسان از «روزی بغیر حساب» چنین آورده است:

راه برخورداری از رزق «بغیر حساب»، التزام محراب عبادت، از لحاظ ذات، صفت و فعل است که همان تقوای تام و مشمول آیات «اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ» (آل عمران/ ۱۰۲) و «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ» (تغابن/ ۱۶) است و طبق آیه «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (طلاق/ ۲-۳) رزق «بغیر حساب» را به همراه دارد (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ج ۱۴/ ۱۵۶-۱۵۷).

همچنین از اختصاص رزق مذکور در آیه فوق به حضرت عندیت حق تعالی چنین برمی‌آید که مراد از این نوع رزق، ارزاق لدنی و روحانی از قبیل معارف، حقایق، علوم و حکمتهای موهوب از جانب خداوند متعال می‌باشد (ابن عربی، ۱۴۲۲: ج ۱/ ۱۰۴). علاوه بر آن، سربسته عنوان شدن و مشخص نشدن ماهیت این قبیل از ارزاق در آیات قرآنی، می‌تواند به این سبب بوده باشد که ذهن مخاطب، درباره این تفضلات و نعم الهی تا هر جایی که ممکن باشد برود! (طباطبایی، ۱۴۰۲: ج ۴، ص ۶۱).

۷.۴ منزلت مصدق بودن حضرت مریم علیها السلام

حضرت مریم علیها السلام طبق بیان قرآن کریم، هم تصدیق‌کننده کلمات و کتب الهی بوده‌اند و هم برخوردار از مقام «صدیقیگی تام»:

﴿وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ﴾ (تحریم/۱۲): و مریم کلمات پروردگار و کتابهای او را

تصدیق نمود.

علامه طباطبائی منظور از تصدیق مریم[ؑ] نسبت به کلمات پروردگار و کتب آسمانی را،

«صدیقه» بودن آنحضرت دانسته است:

یعنی مریم[ؑ] کلمات پروردگار خود را -که به قول بعضی مفسرین، همان وحی انبیا است- تصدیق فرمود. بعضی دیگر از مفسرین گفته‌اند که: مراد از «کلمات» خداوند متعال در اینجا، «وعده‌ها و تهدیدها و امر و نهی خداوند» است؛ ولی این وجه صحیح بنظر می‌رسد؛ زیرا بنا بر این نظر، دیگر احتیاج نبود که قرآن، نام آن کتب آسمانی را هم ببرد؛ چون محتوای کتب آسمانی، همان وعده و وعید و امر و نهی خداوند است. شاید منظور از تصدیق کلمات پروردگار و تصدیق کتب آسمانی این باشد که مریم[ؑ] «صدیقه» بوده، همچنان که خداوند در آیه‌ای دیگر درباره ایشان فرموده: ﴿مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ﴾ (مائده/۷۵) (طباطبایی، ۱۴۰۲: ج ۱۹/۳۴۵).

صاحب تفسیر تسنیم نیز در تبیین این منزلت و علل آن چنین آورده است:

قرآن کریم از مریم[ؑ] به عنوان «صدیقه» یاد کرده است که این «مبالغه در تصدیق» است؛ بدین معنا که ایشان نه تنها «مصدق» و «صادق» و «صدیق» است؛ بلکه «صدیق» هم می‌باشد. «صدیقین» گروهی هستند که با انبیا و صالحین و شهدا همراه و هم‌قافله‌اند... همچنین سر این که مریم[ؑ] صدیقه است؛ این نیست که او اخبار عادی و آنچه را دیگران باور داشتند را تصدیق فرموده؛ بلکه او حقیقتی را تصدیق فرمود که دیگران آن را باور نداشتند و به حقیقتی صحه گذاشت که دیگران آن را مستبعد می‌شمردند و روی همین استبعاد بود که دیگران زبان به تهمت او گشودند و این در حالی بود که مریم[ؑ] برای قبول این امر غیر عادی نیز، هیچ آیت و علامتی را نیز - از خدا- طلب نفرمود! (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۵۹).

۸.۴ مقام عبودیت تام حضرت مریم[ؑ] :

قرآن کریم، ضمن بیان دعوت فرشتگان از حضرت مریم[ؑ] به قنوت و فرمانبرداری در برابر پروردگار، بر مساله قانت بودن پیوسته آنحضرت و موفقیت ایشان در امتثال اوامر ربوبی صحه می‌گذارد:

﴿وَكَانتَ مِنَ الْقَانِتِينَ﴾ (تحریم/۱۲): و او از مطیعان در برابر فرمان‌های الهی بود!

بررسی مقامات و منزلتهای مریم ... (اشکان جوانمرد و سید رضا مؤدب) ۵۳

علامه طباطبایی در تعلیل این مساله که چرا قرآن کریم، به جای لفظ «القانتات»، از لفظ «القانتین» برای مریم علیها السلام استفاده نموده است، چنین می نویسد:

یعنی مریم علیها السلام از زمره مردمانی بوده که همواره مطیع خداوند و خاضع در برابر او می باشند و دائماً نیز بر این حال باقی اند. این که خداوند مریم علیها السلام را با این که ایشان زن بوده، از زمره «قانتین» خویش - جمع مذکر - خوانده است، به این جهت بوده که عادتاً در عالم خارج بیشتر «قانتین» از گروه مردان هستند. مؤید این که «قنوت» در آیه فوق، به این معنا باشد، این است که «قنوت» به همین معنا در آیه دیگری نیز، درباره حضرت مریم علیها السلام به کار رفته است؛ آن جا که ملائکه، وی را ندا داده و می گویند: «يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ» (آل عمران/۴۳): یعنی ای مریم! برای پروردگارت قنوت و سجده کن و همراه با راکعین رکوع نما! (طباطبایی، ۱۴۰۲: ج ۱۹ / ۳۴۵-۳۴۶).

از نظر صاحب تفسیر تسنیم نیز، واژه «قانت» در آیه فوق، بر خضوع دائمی مریم علیها السلام دلالت دارد:

البته همه موجودات تکویناً در برابر پروردگار خاضع هستند: «وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحٰنَهُ بَلْ لَّهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ كُلُّ لَّهُ قٰنِتُوْنَ» (بقره/۱۱۶): اما انسان‌های خاص، افزون بر خضوع عمومی، دارای وصف «قنوت»، یعنی خضوع دائمی نیز هستند! مانند ابراهیم خلیل علیه السلام که قرآن درباره او فرموده: «اِنَّ اِبْرٰهِيْمَ كَانَ اُمَّةً قٰنِتًا لِلّٰهِ حٰنِفًا وَّلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ» (نحل/۱۲۰) حضرت مریم علیها السلام نیز براساس آیه: «فَاتَّبَعُوا مِلَّةَ اِبْرٰهِيْمَ حٰنِفًا» (آل عمران/۹۵)، تابع حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام بوده‌اند. از این رو خدای سبحان، «قنوت و خضوع دائمی» حضرت مریم علیها السلام را نیز - با توجه به کاربرد صفت مشابهه «قانت» در مورد ایشان - تصدیق فرموده است: «وَكٰنَتْ مِنَ الْقٰنِتِيْنَ» (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ج ۱۴ / ۲۵۱-۲۵۴).

۹.۴ منزلت طیب ولادت و برگزیدگی وراثتی مریم علیها السلام

در بخش‌های پیشین، اشاره شد که وجود مقدس حضرت مریم علیها السلام از ویژگی‌های شخصیتی ممتاز و بی نظیری در بین تمامی انسانها برخوردار بوده‌اند؛ اما سوالی که در این ارتباط، به ذهن آدمی خطور می کند این است که اساساً چنین قابلیت‌ها و استعدادات وسیع و تامی برای دریافت انوار ملکوتی چگونه در این انسانها به ودیعه گذاشته شده است؟

در پاسخ به سوال فوق، بایستی توجه داشت که بخشی از این قابلیت‌ها، به نقش والدین و مسایل «موروثی» در زندگی این انسان‌های کامل برمی‌گردد. آیت الله منتظری، در کتاب ارزشمند «از آغاز تا انجام در گفتگوی دو دانشجو» در این باره چنین می‌فرماید:

در بین انسانها تفاوت بسیار است، بسا برخی افراد، در اثر اسباب و شرایط قبل از ولادت و بعد از آن، دارای «استعداد تام و ویژه موروثی» هستند که می‌توانند با امداد غیبی و تجلیات الهی، به سوی مراحل عالم غیب پرواز نموده و حقایق عالم غیب را مشاهده نمایند و پیامهای خدایی را دریافت نمایند. البته خداوند «فیاض علی الاطلاق» است و به اصطلاح «تام الفاعلیه» می‌باشد ولی مزاجهایی که قابلیت دریافت جلوه‌های غیبی را داشته باشند، بسیار کم است (منتظری، ۱۳۸۵: ۱۰۷-۱۰۸).

صاحب تفسیر تسنیم نیز، نظر مشابهی در همین ارتباط دارد:

البته در ارزیابی مقام و کمالات مریم علیها السلام نقش مادر آن بانو را نباید فراموش کرد. گر چه مریم علیها السلام را زکریا علیه السلام تربیت نمود؛ اما این امر در مرحله نهایی بود نه در مرحله پیدایش ابتدایی! مادر این بانو، لیاقت آن را داشت که مادر پیغمبر بزاید و آن خضوع را داشت که فرزندش را به معبد حق اهدا کند و این که ذات اقدس اله این گوهر را پذیرفت، برای آن بود که می‌دانست اگر به او فیض عطا نماید، وی امین در حفظ فیض خواهد بود! آری! مریمی علیها السلام که بایستی بدون همسر، مادر پیامبر بزرگی همچون عیسی علیه السلام شود، هم پذیرشش برای خدمتگزاری بیت المقدس و هم رشد و تربیتش، ویژه و با اهمیت بوده و برای تحقق این تربیت شایسته، هم مبدأ فاعلی و مربی لایق، هم طعام طیب و پاکیزه و استادی شایسته و درسی خوب و هم محیطی امن و روحانی برای جهاد و سخت‌کوشی در عبادت و محاربه با نفس و شیطان موثر بوده است (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۵۹ و همان، ۱۳۷۸: ج ۱۴/۱۴۸).

۱۰.۴ مقام رضا و تسلیم مریم علیها السلام در برابر بلایا

عامل بعدی ترقی معنوی کم‌نظیر مریم علیها السلام، تحمل انواع بلایا و ناملايمات در پیمودن مسیر الهی بوده است که این عامل نیز، به خودی خود، به عنوان تسریع‌کننده‌ای برای نیل و صعود بیشتر بندگان الهی به مقاصد معنوی و قله‌های کمال محسوب می‌شود. آیت الله منتظری، در تبیین این موضوع نیز، اشاره راهگشای دیگری دارند:

بررسی مقامات و منزلتهای مریم ... (اشکان جوانمرد و سید رضا مؤدب) ۵۵

ما اگر هدف خلقت خویش را بدانیم و بدانیم که رسیدن به آن هدف ممکن نیست؛ مگر با گذر از منازل «سلوک الی الله» و نیز بدانیم که طی این منازل نیز، جز با ایجاد فضا و زمینه‌ای مناسب برای درگیری عقل و وجدان با قوای شهوت و غضب و وهم و خیال ممکن نیست؛ درمی‌یابیم که بهترین چیز برای آماده کردن این فضا، ناملایماتی است که به انسان روی آورده و جنود عقل و شیطان را به صف‌آرایی می‌کشاند و موجب می‌شود که انسان به مطامع فناپذیر دنیوی دل نبسته و رکون و اعتماد نداشته و پشت به عالم طبیعت و رو به سوی عالم غیب و ملکوت نماید. آری! در این صورت، آن «ناملایمات و بلایا»، بهترین هدایای الهی خواهند بود که به انسان تقدیم می‌شوند! زیرا رسیدن به آن هدف، جز با «انصراف تامّ و تمام و روی‌گردانی از این نشات» و «توجه کلی به مبدا اعلی ممکن» نیست. چه بسیار انبیا و اولیای الهی که بوسیله بلایا و مصائب و آزار و اذیت‌هایی که دیدند، به مدارج عالی کمال رسیده‌اند و حتی به طور قطع می‌توان گفت هیچ کس همانند آنان گرفتار مصائب و دنیوی نگردیده است (منتظری، ۱۳۸۵ش، ص: ۲۷۵-۲۷۶)

در مورد خاص حضرت مریم علیها السلام، شدت ابتلای آن جناب به حدی بود که طبق بیان قرآن کریم، از خداوند متعال طلب مرگ و فراموشی نام خویش را از صفحه روزگار نمود:

﴿فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنْسِيًّا﴾

(مریم/۲۳): پس درد زائیدن، او را به سوی تنه نخل برد، از شدت خجالت و شرم از مردم گفت: ای کاش! پیش از این مرده بودم و یا چیز غیر قابل اعتنایی بودم که فراموش می‌شدم تا مردم دیگر درباره من حرف نمی‌زدند!

آری! زخم زبان مردم جاهل و تهمت آلوده‌دامنی حَقّاً از بزرگترین ابتلائات الهی است که درباره چنین اولیای الهی قابل تصور است. در آیات ۲۷ و ۲۸ سوره مریم، به گوشه‌ای همین مسایل اشاره شده است:

﴿فَاتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأً

سَوْءٍ وَ مَا كَانَتْ أُمُّكَ بَعِيًّا﴾ (مریم/۲۷-۲۸): و مریم در حالی که طفل خود را در آغوش گرفته بود، او را نزد قوم خویش آورد. پس ایشان گفتند که ای مریم! کار بسیار بزرگ و قبیحی را مرتکب شده‌ای! ای خواهر هارون! نه پدرت مرد بدی بوده و نه مادرت زن بد کاره‌ای!!

نیز موید همین مسایل است خبری که در «تفسیر قمی» ذکر شده است:

و چون قوم بنی اسرائیل، مریم[ؑ] را در محراب ندیدند، به طلبش بیرون آمدند. زکریا[ؑ] نیز، به تجسس مریم[ؑ] بیرون آمد. پس چون ایشان دیدند که مریم[ؑ] بسوی آنها می‌آید و عیسی[ؑ] را نیز در آغوش خویش گرفته است، زنان بنی اسرائیل جمع شده و به روی مبارک آنحضرت[ؑ]، آب دهان افکندند!... (تفسیر قمی، ۱۳۶۷: ج ۲ / ۴۹ - ۵۰).

اما در نهایت مشیت الهی بر این قرار گرفت که طفل شیرخواره در آغوش مادر خویش زیان گشاید و بر پاکی مادرش و نبوت خویش گواهی دهد و بدین سان لطف و هدایت الهی را تا ابد در عالم تکوین پراکنده سازد و عالمیان تا ابدالدهر بر این مادر و فرزند مبارک مباهات ورزند!

۵. نتیجه‌گیری

۱. این که وجود مقدس حضرت مریم[ؑ] در قرآن کریم، به عنوان مثل و نشانه برجسته‌ای برای عبرت‌آموزی و اقتدای اهل ایمان معرفی شده است، به پشتوانه مقامات و منزلت‌های کم‌نظیر آنحضرت در پیشگاه الهی بوده است.

۲. برخی از عوامل تاثیرگذار در حصول این مقامات والا و منازل تقریبی، ریشه در قابلیت‌ها و استعدادهای تام آنحضرت و برخی دیگر، ریشه در «اثرات تربیتی» ناشی از پرورش مستقیم و مستمر الهی در قالب «انبات حسن» و کفالت زکریا[ؑ] داشته است. همچنین مقامات و منزلت‌های فراوانی که در قرآن کریم، برای مریم[ؑ] بیان شده است، نشان از «سعه و جود» و «جامعیت شخصیتی» و همچنین «کرامت والای» آن بانوی بزرگوار[ؑ] در نزد خداوند متعال دارد.

۳. در نگاه کلی، مجموعه مقامات و منزلت‌های ترسیم شده برای حضرت مریم در آیات قرآن کریم از این قرار است: مقام اصطفای حضرت مریم؛ مقام اسوه‌گی و الگو بودن آن حضرت؛ مقام عبودیت تام آنحضرت؛ مقام طهارت و عصمت؛ مقام رضا و تسلیم آنحضرت در برابر بلا، منزلت محدثه بودن آنحضرت؛ منزلت پرورش یافتگی آنحضرت تحت عنایت الهی؛ منزلت مرزوقیت از خوان ربوبی؛ منزلت مصدق بودن؛ و نهایتاً منزلت طیب ولادت و برگزیدگی مطلق آن بزرگوار .

پی‌نوشت‌ها

۱. «قال أبو جعفر عليه السلام: معنى الآية: اصطفاك من ذرية الأنبياء عليهم السلام طهرتك من السفاح؛ اصطفاك لولادة عيسى عليه السلام من غير فحل».
۲. «عن الحكم بن عتيبة، قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عن قول الله في الكتاب: «وَإِذ قَالَتِ الْمَلِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» اصطفاه مرتين و الاصطفاء إنما هو مرة واحدة؟ قال: فقال لي: يا حكم! إن لهذا تأويلاً و تفسيراً. فقلت له: ففسره لنا أبقاك الله! قال: يعنى اصطفاه إياها أولاً من ذرية الأنبياء المصطفين المرسلين و طهرها من أن يكون فى ولادتها من آباؤها و أمهاتها سفاحاً و اصطفاه بهذا فى القرآن: «يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ». شكراً لله.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

- ابن عربی، محی‌الدین (۱۴۲۲ ق)، *تفسیر ابن عربی*، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق)، *لسان العرب*، بیروت، نشر دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- انصاری، قاسم (۱۳۸۶ ش)، *مبانی عرفان و تصوف*، چاپ ششم، تهران، طهوری.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (بی‌تا)، *صحیح البخاری*، بیروت، دار ابن کثیر.
- بقلی، روزبهان (۲۰۰۸ م)، *عرائس البیان فی حقائق القرآن*، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸ ش)، *زن در آینه جلال و جمال*، چاپ پنجم، قم، مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳ ش)، *تسنیم*، چاپ اول، قم، مرکز نشر اسراء.
- حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۹۵ ش)، *ممد الهمم در شرح فصوص الحکم*، چاپ ششم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خمینی، روح‌اله (۱۳۷۸ ش)، *صحیفه امام*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- دهخدا، علی‌اکبر و همکاران (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*، چاپ دوم، تهران، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۵ ش)، *ترجمه مفردات الفاظ القرآن*، مترجم: رحیمی‌نیا، مصطفی، تهران، نشر سبحان.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، موسسه دار القلم.

۵۸ مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، سال ۶، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱

سقباب گندم‌آبادی، محبوبه (۱۳۹۹)، «مقامات حضرت مریم علیها السلام در قرآن و عرفان»، پژوهش‌های اسلامی زن و خانواده، بهار و تابستان ۱۳۹۹، شماره ۲: ۳۱ - ۵۱.

صفار قمی، محمدبن حسن (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام*، چاپ دوم، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.

طاهری‌نیا، علی‌باقر؛ حیدری، زهره (۱۳۹۳)، «ساختار نشانه‌ای شخصیت حضرت مریم علیها السلام در قرآن کریم»، لسان مبین، بهار ۱۳۹۳، شماره ۱۵: ۴۵ - ۶۴.

طباطبائی، محمدحسین (۱۴۰۲ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ش)، *مجمع البحرین*، تهران، انتشارات مرتضوی.

عجم، رفیق (۱۹۹۹م)، *موسوعة مصطلحات التصوف الإسلامی*، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون.

عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، *تفسیر نورالتقلین*، چاپ چهارم، قم، انتشارات اسماعیلیان.

عروسی حویزی، عبدعلی (۱۴۱۵ق)، *تفسیر نورالتقلین*، قم، انتشارات اسماعیلیان.

عمید، حسن (۱۳۷۵ش)، *فرهنگ عمید*، چاپ ششم، تهران، انتشارات امیرکبیر.

قزائتی، محسن (۱۳۸۳ش)، *تفسیر نور*، چاپ یازدهم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

قرشی بنابی، علی‌اکبر (۱۳۷۱ش)، *قاموس قرآن*، چاپ ششم، تهران، موسسه دارالکتب الإسلامیة.

قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷ش)، *تفسیر قمی*، قم، دارالکتاب.

کاشانی‌ها، زهرا (۱۳۸۷)، *الگو بودن «حضرت مریم علیها السلام در قرآن و انجیل»*، بانوان شیعه، پاییز ۱۳۸۷، شماره ۱۷: ۴۵ - ۷۲.

کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران، دارالکتب الإسلامیة.

مجرب، فاطمه؛ طاهری، فاطمه‌سادات؛ برادران، مریم؛ مومن، رقیه‌سادات (۱۳۹۹)؛ «تیب شخصیتی حضرت مریم علیها السلام در قرآن کریم بر اساس تحلیل ایناگرام»، همایش ملی قرآن و روان‌شناسی، دوره ۱؛ ۲۴-۲۲/۰۴/۱۳۹۹: ۵۶۵ - ۵۷۵.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت، موسسه دار إحياء التراث العربی.

مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۸ش)، *نظام حقوق زن در اسلام*؛ چاپ ۲۷، تهران، انتشارات صدرا.

بررسی مقامات و منزلتهای مریم ... (اشکان جوانمرد و سید رضا مؤدب) ۵۹

معرفت، محمد هادی (۱۳۸۵)، «تفسیر قرآن به قرآن و جایگاه سنت؛ آخرین سخنرانی منتشر نشده از آیت الله معرفت»، پژوهش‌های قرآنی، دوره ۱۲، آبان ۱۳۸۵، شماره ۴۶-۴۷ : ۲۱-۱۴.

معین، محمد (۱۳۸۶ش)، فرهنگ معین، چاپ سوم، تهران، نشر زرین.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ ش)، تفسیر نمونه، تهران، موسسه دار الکتب الاسلامیه.

منتظری، حسینعلی (۱۳۸۵ش)، از آغاز تا انجام در گفتگوی دو دانشجو، چاپ چهارم، قم، موسسه هاشمیون.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی